

منطقه‌گرایی نوین در غرب آسیا و جنوب شرق آسیا: تامل مقایسه‌ای

رویا نژاد زندیه^۱
روح‌الله طالبی آرائی*

چکیده

واقعیت عرصه کنونی جهان به گونه‌ای است که سامان‌یابی آن برحسب سه مفهوم مدنظر قرار گرفته است: دولت، منطقه و قاره. بر همین اساس، به ویژه در سه‌دهه اخیر، منطقه به عنوان یک سطح تحلیل و نیز یک واحد تحلیل، بیش از پیش توجه دانش‌پژوهان را به خود جلب کرده است؛ از سوی دیگر، از آنجا که بسیاری از معضلات کنونی در عرصه بین‌المللی نه راه حل جهانی دارند و نه ملی، حل و فصل منطقه‌ای آنها به مراتب آسان‌تر است. این واقعیت عینی و تحلیلی در آسیا بیش‌از پیش خود را بروز داده است. در این میان، غرب آسیا و جنوب شرق آسیا از جمله مناطقی هستند که منطقه‌گرایی را به عنوان یک روند به خود دیده‌اند. هدف این نوشتار مقایسه تجربه منطقه‌گرایی در غرب آسیا و جنوب شرق آسیا در طی سه دهه اخیر با بهره‌گیری از یک چارچوب مفهومی مناسب است. برای نیل به این هدف، تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که کدام یک از دو منطقه در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین پیشروتر بوده است؟ به منظور پاسخ به این پرسش، مشابهت‌ها و تفاوت‌های دو منطقه در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین شناسایی خواهد شد. در این روند، برای گردآوری داده‌ها از هر دو روش کیفی و کمی بهره خواهیم گرفت. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی برحسب مقوله‌های مفهومی که از چارچوب نظری به دست خواهد آمد، سود خواهیم جست. یافته این نوشتار این است که جنوب شرق آسیا در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین پیشروتر از غرب آسیا بوده است، که به نوبه خود می‌تواند زمینه پژوهش درباره «دورنمای مقایسه‌ای منطقه‌گرایی نوین» و «نقد مقایسه‌ای منطقه‌گرایی نوین» را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: مطالعات منطقه‌ای، منطقه‌گرایی نوین، غرب آسیا، جنوب شرق آسیا



فصلنامه

پژوهش‌های
روابط‌بین‌الملل،
دوره دهم، شماره
دوم، شماره پیاپی
سی و هفت
تابستان ۱۳۹۹

۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی
۲. استادیار گروه سیاست جهانی و منطقه‌ای، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول).
* r_talebgarani@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵
فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و هفت، صص ۲۱۸-۱۸۱

مقدمه

به نظر می‌رسد مهمترین ویژگی سیاست بین‌الملل پویایی آن است؛ همین ویژگی سبب گردیده نحوه نگرش به آن نه تنها در برهه‌های گوناگون متفاوت باشد بلکه چه‌بسا در یک برههٔ یکسان به نحو متفاوتی ادراک شود، به گونه‌ای که یکی از جلوه‌های بارز آن را می‌توان در رویکردی که به شیوهٔ سامان‌یابی آن وجود دارد مشاهده کرد. در همین چارچوب، واقعیت عرصه کنونی جهان به گونه‌ای است که سامان‌یابی آن برحسب سه مفهوم مدنظر قرار گرفته است: دولت، منطقه و قاره. دولت، با مفهوم وستفالیایی آن، ماهیتی سیاسی دارد و قاره، ماهیتی جغرافیایی؛ در این میان، «منطقه» هر دو ماهیت را در خود دارد؛ از یک سو، ماهیتی سیاسی دارد به گونه‌ای که در تعریف آن می‌توان گفت «منطقه به نوعی شکل‌بندی سیاسی متشکل از چند دولت اطلاق می‌شود» و از سوی دیگر، ماهیتی جغرافیایی دارد به گونه‌ای که «مناطق در بستر جغرافیایی متجانس میان چند کشور ایجاد می‌شوند».

بر همین اساس، به ویژه در سه دهه اخیر، هرچه زمان می‌گذرد، منطقه هم به عنوان یک سطح تحلیل و هم به عنوان یک واحد تحلیل، بیش از پیش توجه دانش پژوهان را به خود جلب کرده است؛ چراکه می‌تواند تبیین جامعی را ارایه دهد که هر دو عرصه ملی و بین‌المللی را نیز مدنظر قرار دهد. از سوی دیگر، از آنجا که بسیاری از معضلات کنونی در عرصه بین‌المللی نه راه حل جهانی دارند و نه راه حل ملی؛ در عوض، حل و فصل منطقه‌ای آنها به مراتب آسان‌تر است. همچنین نظم جهانی نیز به سوی برآیندی از پویای فرامنطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای حرکت می‌کند.

این واقعیت عینی و تحلیلی در آسیا بیش از پیش خود را بروز داده است، به گونه‌ای که نه تنها در هر دو عرصه دانش پژوهی و سیاست‌گذاری بین‌المللی به عنوان معرکه‌ای از مناطق مختلف تصویر شده، بلکه کنشگران ملی و بین‌المللی تمهیدات انفرادی و دسته‌جمعی بسیاری را برای پیشبرد دستورکارهای منطقه‌ای که می‌توان از آنها تحت عنوان منطقه‌گرایی یاد کرد، اتخاذ کرده‌اند.

در این میان، غرب آسیا و جنوب شرق آسیا از جمله مناطقی هستند که منطقه‌گرایی را به عنوان یک روند به خود دیده‌اند. مقایسه منطقه‌گرایی در در این دو منطقه از آن

جهت اهمیت دارد که از یک سو هم اکثر کشورهای اسلامی و هم اکثریت جمعیت جهان اسلام را در خود جای داده‌اند و از سوی دیگر، اهتمام به منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در طی سه دهه اخیر، فهم مقایسه‌ای پویای پویای منطقه‌ای را ضرورت می‌بخشد.

بر پایه همین الزامات، هدف این نوشتار مقایسه تجربه منطقه‌گرایی در غرب آسیا و جنوب شرق آسیا در طی سه دهه اخیر با بهره‌گیری از یک چارچوب مفهومی مناسب است. برای نیل به این هدف، تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که کدام یک از دو منطقه در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین پیشروتر بوده است؟ به منظور پاسخ به این پرسش، مشابهت‌ها و تفاوت‌های دو منطقه در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین شناسایی خواهد شد. در این روند، برای گردآوری داده‌ها از هر دو روش کیفی و کمی بهره خواهیم گرفت؛ بدین معنا که هم از اسناد رسمی، رسانه‌ای و منابع مکتوب و اینترنتی بهره خواهیم برد و هم از آمار کمی مندرج در پایگاه‌های داده دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش تحلیل محتوای کیفی و کمی برحسب مقوله‌های مفهومی که از چارچوب نظری به دست خواهد آمد، سود خواهیم جست.

۱۸۳



منطقه‌گرایی نوین
در غرب آسیا و
جنوب شرق آسیا:
تامل مقایسه‌ای

۱. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که آثار زیادی مرتبط با عنوان این نوشتار به نگارش درآمده‌اند. در این چارچوب، پژوهش‌هایی را که به‌ویژه در سه دهه اخیر انجام گرفته‌اند می‌توان در سه دسته کلی جای داد: آثاری که درمورد پویای منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا بحث کرده‌اند؛ آثاری که به پویای منطقه‌ای در غرب آسیا پرداخته‌اند؛ و آثاری که به طور عام موضوع منطقه‌گرایی را مورد توجه قرار داده‌اند و در استدلال‌های خود، در میان مناطق دیگر، از این دو منطقه نیز مثال آورده‌اند.

می‌توان گفت که پس از اروپا، جنوب شرق آسیا بیشترین تحلیل‌ها در مورد پویای منطقه‌ای را به خود دیده است. آکاریا (۲۰۰۹) در کتاب «ایجاد یک جامعه امنیتی در جنوب شرق آسیا» معتقد است که دلایل موفقیت و شکست ظهور یک منطقه‌گرایی مانند آسه‌آن را می‌توان با نگاه به ماهیت و کیفیت فرآیند اجتماعی شدن و هنجارهایی که بر

آن بنا شده است، یافت. چن ژی (۲۰۱۱) در «عوامل شکل دهنده همگرایی منطقه‌ای در اروپا، آسیا و آفریقا: اعتبارسنجی تئوری‌های رقیب» به این نتیجه می‌رسد که رئالیسم، کارکردگرایی و نوکارکردگرایی می‌توانند به عنوان رقیب نظریه منطقه‌گرایی در بررسی همگرایی میان کشورها به کار روند. بیسون و استابس (۲۰۱۲) در «راهنمای راتلج در باب منطقه‌گرایی آسیایی» سعی دارند بر نقش سازمان‌های منطقه‌ای در هماهنگ‌سازی سیاست‌ها و ایجاد رویه‌های تجاری - اقتصادی در منطقه‌گرایی نوین جنوب‌شرق آسیا اشاره نمایند.

همچنین در میان آثاری که در طی پنج سال اخیر انتشار یافته‌اند، نگاه‌ها به پوشش منطقه‌ای در جنوب‌شرق آسیا جامع‌تر به نظر می‌رسد. برای مثال، ونهوا و هاروی (۲۰۱۶) در «منطقه‌گرایی جدید آسیا: واکنش‌ها به جهانی شدن و بحران‌ها» معتقدند رونق منطقه‌گرایی نوین در آسیای جنوب‌شرقی پاسخی به چالش‌های متعاقب رکود اقتصادی دهه ۱۹۹۰، به منظور بهبود وضعیت اقتصادی - تجاری و رفاه اقتصادی در این منطقه بوده است؛ وریکو (۲۰۱۷) در «آینده‌گرایی اقتصادی آسه‌آن» بر دورنمای این منطقه پیشبرد مناسبات بینا منطقه‌ای تاکید می‌کند؛ کیلیان اسپندر (۲۰۱۹) در سازمان‌های منطقه‌ای در جامعه بین‌المللی: آسه‌آن، اتحادیه اروپا و سیاست استدلال هنجاری» بر نقش جامعه بین‌المللی در پیشبرد منطقه‌گرایی آسه‌آن تمرکز کرده است؛ رابرت بیتس (۲۰۱۹) در «نقش آسه‌آن در نظم آسیاپاسیفیک» بر این باور است که فضای ابرمنطقه‌ای شرق دور، آسه‌آن را به پیشبرد منطقه‌گرایی سوق داده است.

اما تحقیقاتی که به نمونه پژوهی در مورد پوشش‌های منطقه‌ای در غرب آسیا پرداخته‌اند به مراتب کم‌شمارترند. هالیدی (۲۰۰۵) در «خاورمیانه در روابط بین‌الملل: قدرت، سیاست و ایدئولوژی» با اشاره به بحران‌های مهم در خاورمیانه نقش درگیری نظامی، ایدئولوژی‌های مدرن، چالش‌های دولت و اقتصاد سیاسی بین‌الملل را تحلیل می‌کند. بوزان و گونزالس پلائز (۲۰۰۹) در کتاب «جامعه بین‌الملل و خاورمیانه: نظریه مکتب انگلیسی در سطح منطقه‌ای»، از ایده جامعه بین‌المللی و جهانی در خاورمیانه استفاده می‌کند؛ همچنین مروری بر تاریخ منطقه و رابطه آن با ساختارهای سیاسی اعمال شده در فرآیند گسترش جامعه بین‌المللی غربی ارائه می‌دهد. هاردرز و لگرنزی (۲۰۱۳) در

«فراسوی منطقه‌گرایی؟ همکاری منطقه‌ای، منطقه‌گرایی و منطقه‌ای شدن در خاورمیانه» با مطرح کردن نظریه منطقه‌گرایی نوین به بررسی وضعیت جنوب غرب آسیا قبل و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر می‌پردازند و به این نتیجه می‌رسند که دولت‌های این منطقه در شرایط آنارشیک مدنظر نئورئالیست‌ها به سر می‌برند. استتر (۲۰۱۲) در کتاب «خاورمیانه و جهانی شدن: برخوردها و افق‌ها» سعی دارد به تأثیرات جهانی شدن در همگرایی و واگرایی کشورهای خاورمیانه با همدیگر و سایر کشورهای بیرون از منطقه بپردازد.

آثاری که در طی پنج سال اخیر به پوشش‌های منطقه‌ای در غرب آسیا پرداخته‌اند، برداشت گسترده‌تر و نیز عمیق‌تری را در مورد منطقه‌گرایی ارائه داده‌اند. برای مثال، فاوست (۲۰۱۶) در «روابط بین‌الملل خاورمیانه»، سعی دارد با در نظر داشتن متغیرهای مختلفی از ایدئولوژی گرفته تا ژئوپلیتیک به بررسی روابط کشورهای منطقه با همدیگر و با سایر کشورها بپردازد؛ سیلویا فورابولی (۲۰۱۶) در «منطقه‌گرایی عربی: دیدگاه پساساختاری» عملاً منطقه‌گرایی در غرب آسیا را از منظر اقتصاد سیاسی و با رویکردی پساساختاری بررسی کرده است؛ و بهجت کورانی (۲۰۲۰) در «خاورمیانه در حال تغییر: نگاهی نو به پوشش‌های منطقه‌ای»، استدلال کرده است که چگونه روندها، بازیگران، و موضوعات بین‌المللی، منطقه‌گرایی در جنوب غرب آسیا را ابتر ساخته‌اند.

علاوه بر نمونه‌پژوهی‌های فوق، برخی آثار عمدتاً به تمهیدات نظری در مورد منطقه‌گرایی پرداخته و در این چارچوب، به ارائه مستندات تجربی در مناطق مختلف جهان برای اثبات مدعای خود روی آورده‌اند. برای مثال، هتنه (۲۰۰۰) در کتاب «جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی جدید»، منطقه‌گرایی نوین را موج تغییر دومی در مطالعات اقتصاد سیاسی و روابط بین‌الملل دانسته که موازی با جهانی شدن به پیش می‌رود. کالیا (۲۰۰۰) در «منطقه‌گرایی در دنیای پساجنگ سرد» نتیجه می‌گیرد منطقه‌گرایی فرایندی پویاست که به تحلیل و درک بهتر روابط بین‌الملل کمک می‌کند. سودرباوم و شاو (۲۰۰۳) در «نظریه‌های منطقه‌گرایی نوین» می‌کوشند ارتباط منطقه‌گرایی نوین را با اقتصاد سیاسی بین‌الملل، سیاست و نظم جهانی، روابط بین‌الملل، ثبات جهانی منطقه‌ای، حکومت جهانی، امنیت منطقه‌ای، جهانی شدن و مسائل هویتی بررسی نمایند. فرل و هتنه (۲۰۰۵) در «سیاست جهان‌گستر منطقه‌گرایی: نظریه و عمل» سعی

داشته‌اند منطقه‌گرایی را جایگزینی مناسب برای جهانی‌شدن معرفی کنند. بهر و جوکلا (۲۰۱۱) در «منطقه‌گرایی و حکمرانی جهانی: دستورکار نوظهور» معتقدند منطقه‌گرایی نوین سبب دنیایی پساوستفالیاگونه ویا نوعی نظام نووستفالیایی خواهد شد. لورنزو (۲۰۱۲) در «مناطق و بحران‌ها: چالش‌های جدید فراروی منطقه‌گرایی‌های معاصر» سعی دارد به بحران‌های برهم‌زننده منطقه‌گرایی بپردازد. شاو، گرنت و کرنیسون (۲۰۱۳) در «کتاب همراه پژوهشی درمورد منطقه‌گرایی‌ها»، منطقه‌گرایی نوین را به‌عنوان یک نظریه‌کارا و مطلوب که قادر به بررسی موضوعات روابط بین‌الملل و اقتصاد سیاسی خواهد بود معرفی می‌نمایند.

در مجموع، هرچند این قبیل آثار بینش‌های سودمندی را در شناخت منطقه‌گرایی و به ویژه در مورد این دو منطقه به دست داده‌اند، ولی یا صرفاً به نمونه‌پژوهی در مورد هر منطقه تمرکز کرده‌اند یا اگر به مقایسه مناطق از حیث پیشبرد منطقه‌گرایی روی آورده‌اند، مقایسه آنها موضوع‌محور و متمرکز بر یک یا چند مبحث منطقه‌گرایی، آن هم حول رهیافت‌های واقع‌گرا یا لیبرالی بوده است. در این زمینه می‌توان به پژوهش رضانی و صباغیان (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی مقایسه‌ای منطقه‌گرایی در آسه‌آن و شورای همکاری خلیج فارس» اشاره نمود، که علاوه بر فرارفتن از نظریه‌های منطقه‌گرایی قدیم و بهره‌گیری صرف از رهیافت واقع‌گرایی و لیبرالیسم، تنها بر شاخص‌های اقتصاد و امنیت حول توسعه‌محوری و بقامحوری تأکید می‌نماید؛ درنهایت نگارندگان فوق استنباط نموده‌اند که آسه‌آن در وضعیت منطقه‌گرایی نوین و شورای همکاری خلیج فارس در منطقه‌گرایی قدیم به سر می‌برد. براین اساس نوعی مقایسه تاریخ‌محور بدون توجه به شاخص‌های منطقه‌گرایی نوین همچون پویش‌های فرامنطقه‌ای/جهانی، کنشگران، سطوح و ابعاد صورت پذیرفته است. علاوه براین مهم، مفروض نظری پژوهش پیش‌رو، منطقه‌گرایی نوین است که موج متأخر و تکامل‌یافته نظریات منطقه‌گرایی محسوب می‌شود و نه یک مرحله از منطقه‌گرایی.

۲. چارچوب نظری

به منظور زدودن نخستین کاستی اشاره شده در پیشینه پژوهش، در این بخش منطقه‌گرایی نوین را به عنوان مبنای نظری پژوهش تشریح خواهیم کرد. منطقه‌گرایی به نوعی گرایش و تعهد سیاسی برای سازمان‌دادن جهان برحسب مناطق اشاره دارد: به بیان بهتر، «پروژه‌ای است که یک یا چند دولت و یا حتی موجودیت‌هایی غیر از دولت به منظور بازسازمان‌دادن یک فضای منطقه‌ای خاص براساس خطوط سیاسی و اقتصادی تعریف شده‌ای راهبری می‌کنند». از این منظر، در نهایت، منطقه‌گرایی پدیده‌ای است که به وسیله کنش انسانی دسته‌جمعی، بر ساخته و به طور پیوسته بازبر ساخته می‌شود. (Baysoy, 2020: 12-13). بر همین اساس، پژوهش‌ها در مورد منطقه‌گرایی در طول هفت دهه اخیر نوعی سیر تکاملی را پیموده است (Selleslags & Langenhove, 2020: 156-158)، به گونه‌ای که عمدتاً از دو نسل نظری منطقه‌گرایی‌های قدیم و نوین سخن به میان می‌آید.

۲-۱. منطقه‌گرایی قدیم

به مجموعه‌ای از نظریه‌هایی که در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برای تبیین همگرایی اروپا ارایه شدند، اطلاق می‌شود. دغدغه اصلی نظریه‌پردازان و مروجان منطقه‌گرایی قدیم یافتن پاسخی معقول به این سوال بوده است که چگونه می‌توان صلح را برقرار ساخت (Barbieri, 2019: 425-428). نظریه‌های مطرح در این چارچوب فدرالیسم، کارکردگرایی، و نوکارکردگرایی بودند، هر چند برخی نظریه ارتباطات را نیز در این مقوله جای می‌دهند.

فدرالیست‌ها منشأ جنگ را حاکمیت‌های جداگانه و ملی‌گرایی نهادینه شده در واحد سیاسی ملت- دولت‌های اروپایی می‌انگاشتند و استدلال آوردند که یک مرجع اقتدار مرکزی در چارچوب یک ابردولت به صورت "ایالات متحده اروپا" تأمین‌کننده صلح و ثبات خواهد بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۹۴-۹۵). برای پیشگیری از جنگ و ترویج صلح، کارکردگرایان برخلاف فدرالیست‌ها استدلال کردند که گروه‌های فروملی می‌توانند شبکه‌های خودانگیخته‌ای را تأسیس کنند که عملاً باعث پیوند و ارتباط جوامع ملی

مختلف در چارچوب روابط پیچیده و چندلایه شود. در این چارچوب، همگرایی منطقه‌ای نخست در حوزه‌ها و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فنی آغاز می‌گردد و در وهله بعد سرایت همگرایی از یک بخش به بخش دیگر و از حوزه اقتصادی به حوزه سیاسی به طور خودکار و بدون دخالت حکومت‌ها صورت می‌گیرد. در ترمیم کارکردگرایی، نوکارکردگرایی استدلال کرد که وقتی فرآیند همگرایی آغاز می‌شود با تشکیل نهاد فراملی منطقه‌ای، حکومت‌های ملی کنترل خود بر آن را از دست می‌دهند و همگرایی روند تکاملی خود را از طریق سه سازوکار تسری، سیاسی‌شدن و برون‌گرایی می‌پیماید. (Marks, 2018: 64-69؛ دهشیری و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۹۹-۱۹۸).

۲-۲. منطقه‌گرایی نوین

هرچند سه نظریه کلاسیک ذیل منطقه‌گرایی قدیم دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای در تبیین منطقه‌گرایی داشتند ولی از دو نارسایی عمده رنج می‌بردند: نخست آنکه، عمدتاً محدود و محصور به اروپا بودند و در نتیجه، خواسته یا ناخواسته سایر مناطق را به دنباله‌روی از راه اروپایی فرا می‌خواند؛ دوم، با توجه به آنکه مهمترین آماج پژوهشی آن همگرایی منطقه‌ای با تمرکز بر تجربه اروپا بود، همگرایی را در خلأ بین‌المللی می‌دید و بدین‌سان به امکان‌پذیری تاثیرگذاری متغیر بین‌المللی بر همگرایی منطقه‌ای توجهی نداشت (Klecha-Tylec, 2017: 18-27).

از سوی دیگر، روندهای تجربی به ویژه در دهه ۱۹۷۰ با گزاره‌های نظری منطقه‌گرایی قدیم تطابق نداشتند، چراکه از یک سو، روند همگرایی اروپا رفته‌رفته به توقف نزدیک می‌شد به طوری که از آن تحت عنوان عارضه سخت‌شدگی اروپا یاد می‌کردند (Boyka, 2018: 57-58) و از سوی دیگر، دنباله‌روی از راه اروپایی، از طریق تلاش‌ها برای ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای در سایر مناطق جهان نیز با شکست مواجه شدند؛ به گونه‌ای که اکثر این سازمان‌ها در ورطه منسوخ شدن افتادند. اما با این حال، "کتاب سفید ۱۹۸۵" درمورد بازار داخلی، الهام‌بخش مفهوم پردازی‌های بدیعی در اواخر

دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰ گردید که از آن تحت عنوان «منطقه‌گرایی نوین» یاد می‌شود (هتته، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

در تلاش برای رفع چالش‌های فراروی منطقه‌گرایی قدیم، منطقه‌گرایی نوین با تاکید بر روابط میان عرصه منطقه‌ای و عرصه جهانی از یک سو و توجه به سطوح (فرومنطقه‌ای، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای)، ابعاد (تجاری، مالی، پولی، توسعه‌مدار و امنیتی) و کنشگران متفاوت منطقه‌گرایی (دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای، کنشگران غیردولتی و خود منطقه به عنوان کنشگر) از سوی دیگر در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ شکل گرفت. (Barbieri, 2019: 433-437)

بدین سان، می‌توان چهار مقوله مفهومی/نظری را که به خوبی می‌توانند وضعیت منطقه‌گرایی نوین را به تصویر بکشند از محتوای آن به شرح ذیل برکشید:

الف) وضعیت منطقه‌گرایی نوین از حیث نقش پویای فرامنطقه‌ای/جهانی: منطقه‌گرایی در یک بستر جهانی روی می‌دهد، به گونه‌ای که از تاثیرات محیط فرامنطقه‌ای مصون نمی‌ماند. (Barbieri, 2019: 430-432) تاثیرگذاری برون منطقه‌ای بر منطقه‌گرایی می‌تواند به دو شکل باشد: آن را ترویج دهد یا مختل سازد. این تاثیرگذاری می‌تواند از طریق فرآیندی از قبیل جهانی شدن رخ دهد یا می‌تواند در اثر مداخلات بازیگران بین‌المللی از قبیل قدرت‌های فرامنطقه‌ای یا سازمان‌های بین‌المللی فرامنطقه‌ای تجلی یابد.

ب) وضعیت منطقه‌گرایی نوین از حیث ابعاد: منطقه‌گرایی روندی تک‌بعدی نیست، بلکه ابعاد توسعه‌مدار (معطوف به تقویت نقش تکمیل‌کنندگی و ارتقای ظرفیت‌گُل اقتصاد منطقه‌ای)، تجاری (ناظر بر استقرار ترتیبات تجاری منطقه‌ای)، پولی (بر اساس تلاش منطقه‌ای برای برقراری ثبات در بازارهای مالی در سطح منطقه‌ای) و امنیتی (برحسب تلاش منطقه‌ای برای دگرگون ساختن یک مجموعه امنیتی منازعه‌آفرین در جهت ایجاد جامعه امن) را در خود دارد که تاثیرات متقابلی نیز بر یکدیگر می‌نهند. (De Lombaerde, 2013: 32-33, 46-47)

ج) وضعیت منطقه‌گرایی نوین از حیث نقش آفرینی کنشگران: منطقه‌گرایی معمولاً از طریق نقش آفرینی کنشگران گوناگونی، اعم از دولتی و غیردولتی، که با یکدیگر

همکاری هم‌افزاینده دارند رقم می‌خورد. هرچند در اکثر مواقع این دولت‌ها هستند که غالباً با تشکیل سازمان‌های منطقه‌ای، منطقه‌گرایی را آغاز، سازماندهی و مدیریت می‌کنند؛ اما حفظ و گسترش آن در کنار کنشگران غیردولتی انجام می‌پذیرد. (Klecha- Tylec, 2017: 21-23) می‌توان به چهار دسته بازیگر مهم در منطقه‌گرایی نوین اشاره نمود: دولت‌های ملی، سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای میان‌دولتی، کنشگران غیردولتی از قبیل نیروهای بازار، سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی و خود منطقه.

د) وضعیت منطقه‌گرایی نوین از حیث سطوح: منطقه‌گرایی ممکن است در سطح فرومنطقه‌ای یا خرده‌منطقه‌ای، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای/بینامنطقه‌ای پیش رود. «فرومنطقه‌ها» بخش‌های کم‌وبیش متمایز کلان‌منطقه‌ای بزرگ هستند و در اغلب مواقع همکاری فوق‌ملی فشرده‌تری را از خود به نمایش می‌گذارند. از سوی دیگر، خرده‌مناطق میان سطح «ملی» و سطح «محلی» وجود دارند، زیرا آنها متشکل از سرزمین‌های «فروملی» هستند نه متشکل از کشورها در معنای کلی کلمه. خرده‌منطقه‌گرایی در اغلب مواقع به وسیله شبکه‌هایی از کنشگران دولتی و غیردولتی و حتی شبکه‌های فراملی بیناخصی ایجاد می‌شود که مثلث‌های رشد از جمله نمونه‌های بارز آن به شمار می‌آیند. در سطح دوم، منطقه‌گرایی کل یک منطقه را دربرمی‌گیرد و سایه یک سازمان منطقه‌ای را بر سراسر آن می‌گستراند. فرامنطقه‌گرایی/بینامنطقه‌گرایی از سطح منطقه‌ای فراتر می‌رود و به روابط رسمی میان مناطق به‌عنوان موجودیت‌های حقوقی یا حداقل شبه‌حقوقی حاکم می‌شود و معمولاً سازمان‌های منطقه‌ای نیز آنها را نمایندگی می‌کنند (هتته، ۱۳۹۴: ۲۳۲).
این مقوله‌های چهارگانه ابزارهای مفهومی سودمندی برای پویای منطقه‌ای به شمار می‌آیند. اما آنچه در این میان اهمیت فزاینده‌ای دارد و در ارزیابی پیشینه پژوهش نیز اشاره شد، به کار بستن مقایسه‌ای این مقوله‌های مفهومی/نظری در مورد دو منطقه مهمی است که نقش چشمگیری در تحولات بین‌المللی دارند: جنوب شرق آسیا و غرب آسیا.

۳. منطقه‌گرایی نوین در جنوب شرق آسیا

منطقه‌گرایی نوین یکی از پربسامدترین اصطلاحاتی است که در مورد جنوب شرق آسیا به کار می‌رود. این منطقه در درون ابرمنطقه‌ای به نام آسیا-پاسیفیک واقع شده است که در طی سه دهه اخیر به مهمترین گرانیگاه مناسبات جهانی تبدیل گردیده است. از این منظر، بررسی آن برحسب مولفه‌های منطقه‌گرایی نوین فهم بهتری درباره تحولات آن به دست می‌دهد.

۳-۱. نقش آفرینی پویای فرامنطقه‌ای/جهانی

پویای فرامنطقه‌ای/جهانی از دیرباز نقش مهمی در شکل‌دهی به تحولات منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا داشته‌اند. در ابتدا این منطقه تا حد بسیار زیادی به استعمار هلند، بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، آمریکا و حتی ژاپن در آمد (Tarling, 2004: 59-85) و پس از دستیابی کشورهای آن به استقلال، در چنبره رقابت دو ابرقدرت جنگ سرد قرار گرفت. اما به نظر می‌رسد پویای فرامنطقه‌ای/جهانی در دوران پس از جنگ سرد به گونه‌ای بوده که مجال پیشبرد همه‌چانه منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا را فراهم ساخته است. فرآیند جهانی شدن نه تنها منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا را درهم نشکسته، بلکه عملاً مجال آن را نیز فراهم آورده است. از سوی دیگر، نقش آفرینی قدرت‌های بزرگ در این منطقه به ویژه در طی سه دهه اخیر، همکاری‌آمیز و مسالمت‌جویانه بوده است. قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده، به مداخله نظامی در این منطقه روی نیاورده‌اند و بالاتر از این، نگرشی عمدتاً کارکردی و نه امنیتی به آن داشته‌اند. این همکاری به حدی بوده که بزرگترین موافقت‌نامه تجارت آزاد را در گستره آسیا-پاسیفیک به بار آورده (Lobell, 2018: 349-361) و علاوه بر این، پیوستن به حلقه جهانی را در صدر استراتژی‌های کلان دولت‌های این منطقه قرار داده است. (Severino, 2008: 79-90)

همچنین، روندهای موجود از تلاش‌های انفرادی و دسته‌جمعی دولت‌های جنوب شرق آسیا برای درگیر سازی توامان و همزمان قدرت‌های فرامنطقه‌ای در ترتیبات امنیتی این منطقه به منظور پراکندن نفوذ مسلط آنها دارد؛ به گونه‌ای که اعمال دیپلماسی اجبار از سوی هر یک از قدرت‌های فرامنطقه‌ای علیه منطقه و دولت‌های آن را متفی می‌سازد. (Putra et al, 2019: 36) به این ترتیب، پویای فرامنطقه‌ای/جهانی و

خواست دولت‌های این منطقه در ادغام هرچه بیشتر در روندهای جهانی، سبب‌ساز جهش در تکامل منطقه‌گرایی نوین شده است. داده‌های برخی کشورهای این منطقه (مربوط به سال ۲۰۱۷) درباره ادغام در فرآیندهای جهانی، گویای این مهم است:

جدول شماره ۱. ادغام جنوب شرق آسیا در فرایندهای جهانی

شاخص کشور	جهانی شدن اقتصادی		جهانی شدن اجتماعی		جهانی شدن سیاسی		میزان جهانی شدن	
	رتبه جهانی	نمره (۱۰۰)	رتبه جهانی	نمره (۱۰۰)	رتبه جهانی	نمره (۱۰۰)	رتبه جهانی	نمره (۱۰۰)
سنگاپور	۹۴	۱	۸۹,۰۸	۹	۶۸,۴۳	۹۷	۸۳,۸۴	۱۹
مالزی	۷۶,۷۷	۳۲	۸۲,۱۸	۴۲	۸۵,۲۸	۴۲	۸۱,۴۱	۲۷
تایلند	۶۷,۰۶	۶۳	۶۸,۳۸	۹۳	۸۲,۱۴	۵۰	۷۲,۵۲	۵۰
فیلیپین	۵۷,۴۸	۱۰۲	۶۱,۹۰	۱۱۸	۸۲,۹۶	۴۸	۶۷,۴۵	۷۲
اندونزی	۴۸,۱۰	۱۳۴	۵۴,۷۴	۱۳۴	۸۷,۲۸	۳۵	۶۳,۳۸	۸۷

(kof.ethz.ch)

۳-۲. ابعاد منطقه‌گرایی

جنوب شرق آسیا یکی از مناطق موفق در پیشبرد توسعه اقتصادی به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که درآمد سرانه در این منطقه با افزایشی ۳۷ برابری از ۱۲۲ دلار در سال ۱۹۶۷ به ۴۵۴۹ دلار در سال ۲۰۲۰ رسید. (countryeconomy.com) دولت‌های جنوب شرق آسیا در جهت تقویت نقش تکمیل‌کنندگی و ارتقای ظرفیت کل اقتصاد منطقه‌ای، مناسبات توسعه‌مدارانه میان خود را در بخش‌های مختلف عمرانی گسترش داده‌اند؛ در بخش حمل و نقل، این منطقه توافق آسه‌آن در مورد تسهیل حمل و نقل فرامرزی را به خود دید؛ تصویب چارچوب آسه‌آن در مورد حمایت از داده‌های شخصی در سال ۲۰۱۶، رومینگ بین‌المللی موبایل در سال ۲۰۱۷ و حکمرانی داده‌های دیجیتالی در سال ۲۰۱۸، از جمله نمونه‌های بارز همکاری منطقه‌ای در جنوب شرق آسیا در حوزه فناوری‌های اطلاعات و

1. The ASEAN Framework Agreement on the Facilitation of Cross-Border Transport of Passengers
2. The ASEAN Framework on Personal Data Protection in 2016, the ASEAN International Mobile Roaming Framework in 2017, and the ASEAN Framework on Digital Data Governance in 2018.

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و هفت

تابستان ۱۳۹۹

ارتباطات هستند. در بخش انرژی، این منطقه تلاش‌های هماهنگی را برای کاهش ۲۱/۹ درصدی مصرف انجام داده است؛ در بخش کشاورزی به سال ۲۰۱۷، چارچوب منطقه‌ای شراکت بخش‌های عمومی و خصوصی آسه‌آن برای بهره‌گیری از فناوری در مواد غذایی، کشاورزی و جنگل‌داری به امضا رسید؛ در سال ۲۰۱۸ نیز نقشه راه آسه‌آن برای ارتقای نقش تعاونی‌های کشاورزی در زنجیره کشاورزی جهانی به تصویب رسید. از سوی دیگر، دولت‌های جنوب شرق آسیا گام‌های بلند و هماهنگی را برای کاستن از شکاف توسعه میان خود برداشتند؛ ابتکار همگرایی آسه‌آن در طرح کاری متشکل از پنج حوزه راهبردی خواروبار و کشاورزی، تسهیل تجارت، بنگاه‌های کوچک و متوسط، بهداشت و رفاه، از جمله مهمترین آنها به شمار می‌آید که با هدف کمک به لائوس، کامبوج، و ویتنام صورت پذیرفت. (asean.org, Report, 2019)

دولت‌های جنوب شرق آسیا پیشبرد منطقه‌گرایی پولی را نیز در صدر برنامه‌های خود قرار داده‌اند؛ در این راستا، آنها کوشیده‌اند از طریق تاسیس کمیته ویژه آزادسازی خدمات مالی ۳در سال ۲۰۰۳، محدودیت‌ها بر عرضه خدمات مالی را به تدریج بردارند؛ از طریق طراحی چارچوب همگرایی بانکی آسه‌آن در دسامبر ۲۰۱۴، بخش بانکداری منطقه‌ای یکپارچه‌تری را ایجاد کنند؛ از طریق تشکیل کمیته ویژه آزادسازی حساب سرمایه‌ای در سال ۲۰۱۵، ابزاری را برای ارزیابی سطح باز بودن رژیم‌های حساب سرمایه در میان دولت‌های عضو آسه‌آن فراهم آورند؛ از طریق تاسیس کمیته ویژه توسعه بازار سرمایه‌ای در سال ۲۰۰۳ و تشکیل مجمع بازار سرمایه آسه‌آن در سال ۲۰۰۴، بازارهای سرمایه در جنوب شرق آسیا را با هم ادغام کنند؛ از طریق ایجاد کمیته ویژه جذب مالی در سال ۲۰۱۶، به تبادل تجربیات و اطلاعات و ارزیابی گزینه‌های سیاسی در مورد جذب سرمایه مالی بپردازند؛ و سرانجام از طریق راه اندازی پروژه بیمه و تامین

1. The ASEAN Public-Private Partnership Regional Framework for Technology in FAF Sectors, 2017
2. The ASEAN Roadmap for Enhancing the Role of Agricultural Cooperatives in Global Agricultural Chains 2018-2025.
3. The Working Committee on FSL.
4. ASEAN Banking Integration Framework (ABIF)
5. Working Committee on Capital Account Liberalisation (WC-CAL)
6. the Working Committee on Capital Market Development (WC-CMD)
7. the ASEAN Capital Market Forum (ACMF)

مالی ریسک فجایع در سال ۲۰۱۶ و تکمیل آن در سال ۲۰۱۹، با تاثیرات منفی بلایای طبیعی در جنوب شرق آسیا بر فعالیت‌های مالی مقابله نمایند. (ASEAN Economic Community Blueprint 2025, 2015: 1-39; ASEAN Economic Community 2025 Consolidated Strategic Action Plan, 2018: 1-52; ASEAN (Community Vision 2025, 2015: 15-16

تلاش دولت‌های جنوب شرق آسیا برای پیشبرد منطقه‌گرایی تجاری نیز در اوایل دهه ۱۹۹۰ وارد مرحله جدیدی شد، به گونه‌ای که در جریان چهارمین اجلاس سران آسه‌آن در ژانویه ۱۹۹۲، رهبران این منطقه تصمیم گرفتند تا قبل از سال ۲۰۰۸ منطقه تجارت آزاد آسه‌آن را میان خود ایجاد کنند. جدیت دولت‌های منطقه در پیشبرد این تصمیم به قدری بود که پنج سال زودتر یعنی در سال ۲۰۰۳ به سرانجام رسید که خود سبب‌ساز تشدید منطقه‌گرایی تجاری میان دولت‌های جنوب شرق آسیا شده است. (Ludo, 2019: 609-618) به طوری که در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹، حجم تجارت درون منطقه‌ای کالا در حدود یک‌چهارم حجم کلی تجارت کشورهای این منطقه و در تجارت خدمات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، این سهم در حدود یک‌ششم بوده است (ASEAN Statistical Yearbook, 2019: 42-123).

جنوب شرق آسیا در پیشبرد منطقه‌گرایی امنیتی نیز دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای داشته است. همکاری‌های امنیتی میان دولت‌های این منطقه بر پایه اصول پیمان مودت و همکاری جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۶۷ در دوران پس از جنگ سرد دنبال گردید. تاثیر بحران مالی ۱۹۹۷ بر کاهش بودجه‌های دفاعی کشورهای عضو، بستر مساعدتری را در این زمینه فراهم ساخت و باعث گردید تلاش‌های دولت‌های جنوب شرق آسیا در ترویج همکاری امنیتی منطقه‌ای در نوامبر ۲۰۰۴ به بار بنشیند. با تصویب طرح اقدام ویتنام^۴ مسیر برای ایجاد جامعه امن آسه‌آن که بعدها در اجلاس سران آسه‌آن در ژانویه ۲۰۰۷ در کبوی فیلیپین مورد توافق قرار گرفت، هموار گردید؛ پس از آن در بیانیه رئیس اجلاس سران آسه‌آن در سنگاپور در نوامبر ۲۰۰۷، قرار شد جامعه امن آسه‌آن به جامعه

1. the Disaster Risk Financing and Insurance project

2 ASEAN Free Trade Area (AFTA)

3. Treaty of Amity and Cooperation in Southeast Asia (TAC)

4. the Vientiane Action Plan

5. ASC

بر همین اساس، دولت‌های جنوب شرق آسیا در طی یک فرآیند یادگیری اجتماعی از تحولات جهانی و کلان منطقه‌ای در حوزه آسیا پاسیفیک به مرور زمان با بهره‌گیری از دو سازوکار به عنوان مهمترین موتور محرکه پیشبرد منطقه‌گرایی نوین نقش آفرینی کرده‌اند: سازوکار نخست، تاسیس سازمان منطقه‌ای برای پیشبرد همگرایی در تمامی ابعاد (Queen & Sheng, 2020: 193-196, 215-218)؛ و دوم، بهره‌گیری از ظرفیت‌های همگراساز کنشگران غیردولتی از طریق هماهنگ‌سازی منطقه‌ای فعالیت‌های آنها (Chandra et al, 2017: 221-242).

آسه‌آن سازمانی منطقه‌ای است که در فرآیند منطقه‌گرایی نوین در جنوب شرق آسیا تاثیر مهمی داشته است؛ البته نخستین مجمع همکاری‌های منطقه‌ای نبوده است، بلکه پیش از آن مجمع جنوب شرق آسیا و مجمع مافیلیندو شکل یافته بودند (امینیان، ۱۳۸۸: ۵۴)، اما پس از تشکیل "آسه‌آن" در سال ۱۹۶۷، این سازمان به عنوان یک کنشگر، نقش فعالی در پیشبرد منطقه‌گرایی ایفا کرده است. به طور کلی، آسه‌آن در طول حیات خود دو نقش متمایز را در پیشبرد منطقه‌گرایی ایفا کرده است: در برهه جنگ سرد، به عنوان یک نهاد مدیریت کننده عمل کرد؛ بدین معنا که با پذیرفتن نقش رهبری دیپلماتیک در جنوب شرق آسیا، تنظیم روابط درون منطقه‌ای از طریق دیپلماسی دوجانبه و چندجانبه، وضع قواعد منطقه‌ای و ایجاد یک چارچوب هنجاری حاکم بر روابط را براساس هنجار عدم مداخله عهده دار شد. (Queen & Sheng, 2020: 197-201) اما در برهه پس از جنگ سرد، در قامت هدایت‌گر منطقه‌گرایی نوین ظاهر شده است؛ به گونه‌ای که عملاً دو کارویژه جدید را نیز از خود به نمایش نهاده است: اول، تمامی قدرت‌های بزرگ را از طریق پی‌ریزی نوعی درگیرسازی گشاده رویانه گردهم آورده (Huang, 2018: 129-143) و دوم، موضوعاتی را مطرح کرده که دولت‌ها می‌توانند بر سر آن توافق کنند (Yates, 2019: 8).

گذشته از دولت‌ها و آسه‌آن، جنوب شرق آسیا جولانگاه فعالیت‌های کنشگران غیردولتی در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین بوده است. این کنشگران به موازات یکدیگر و به طور توأمان هم با دولت‌ها و هم با آسه‌آن همکاری می‌کنند، به گونه‌ای که شبکه‌ای از

1. Association of southeast Asia (ASA)
2. Association of Maphilindo

مناسبات و پیوندها در سه سطح درون‌ملی، ملی و منطقه‌ای را پدید آورده‌اند. یکی از این کنشگران جامعه مدنی است که در جدول زیر میزان مشارکت آن ذکر شده است:

جدول شماره ۳. مشارکت مدنی در جنوب شرق آسیا				
میزان مشارکت جامعه مدنی				
میزان (۱-۱۰)				کشور
۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	
۵	۵	۵	۵	سنگاپور
۵	۵	۵	۵	مالزی
۴	۳	۳	۳	تایلند
۷	۷	۷	۷	اندونزی
۶	۶	۵	۵	فیلیپین

(govdata360.worldbank.org.)

مهمترین نماینده جامعه مدنی جنوب شرق آسیا مجمع خلق آسه‌آن است که از سال ۲۰۰۰ آغاز گر تعاملات کنشگران غیردولتی با کنشگران دولتی در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین در منطقه شده است. (Chareonwongsak, 2018: 91-92) بخش کسب و کار و به نحو بارزی اتاق بازرگانی و صنایع آسه‌آن به عنوان نماینده جامعه کسب و کار، آدر بسیاری از ابتکارهای مربوط به همگرایی اقتصادی در جنوب شرق آسیا مشارکت فعالانه دارد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، شبکه تولید منطقه‌ای، شبکه کسب و کار قومی و مناطق اقتصادی فروملی نیز به‌عنوان کنشگران غیردولتی مهم در جنوب شرق آسیا ظهور کرده‌اند. جامعه دانشگاهی از جمله موسسه مطالعات جنوب شرق آسیا و موسسه مطالعات استراتژیک آسه‌آن نیز از طریق رایه دیدگاه‌های مشورتی به اندیشه‌های ملی دولت‌های جنوب شرق آسیا نقش مهمی در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین ایفا کرده‌اند. این اعمال نفوذ، به نوبه خود، جامعه دانشگاهی را واسط میان جامعه مدنی و کنشگران دولتی قرار می‌دهد (Chandra, 2006). با توجه به

1. ASEAN People's Assembly (APA)
2. ASEAN Chambers of Commerce and Industry (ASEAN-CCI)
3. Institute for Southeast Asian Studies (ISEAS)
4. the ASEAN Institutes for Strategic and International Studies (ASEAN-ISIS)

شکل‌گیری شبکه درهم تنیده‌ای از کنشگران دولتی و غیردولتی در پیشبرد منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا (Palmujoki, 2001: 178-185)، رفته رفته این منطقه به نوعی از هویت منطقه‌ای کم و بیش یکپارچه دست یافته؛ به گونه‌ای که خود این منطقه نیز به عنوان "یک کنشگر" در عرصه جهانی، طرف مناسبات و مذاکرات قرار می‌گیرد.

۳-۴. سطوح منطقه‌گرایی

در جنوب شرق آسیا، از زمان آغاز حرکت به سوی منطقه‌گرایی با تاسیس آسه‌آن در سال ۱۹۶۷، ما شاهد بالندگی سطوح متفاوت منطقه‌گرایی بوده‌ایم. هرچند منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا با محوریت سازمان منطقه‌ای آسه‌آن در سطح منطقه‌ای پدیدار گردید، ولی به مرور زمان تحولات در سطح فرامنطقه‌ای بدان سرعت، عمق و شدت بخشید و تحولات در سطح فرامنطقه‌ای/بینامنطقه‌ای نیز آن را به شکوفایی رسانید.

نمونه بارز تحولات در سطح فرومنطقه‌ای در جنوب شرق آسیا، شکل‌گیری نوعی فرومنطقه‌گرایی به نام "مثلث رشد" بوده است که به منظور شتاب در جذب سرمایه، صنعتی شدن و رشد اقتصادی توسط تجار چینی ساکن در سنگاپور، مالزی و اندونزی به راه افتاد. این مهم به عنوان راهبردی برنامه‌ریزی شده توسط دولت‌ها در همگرایی اقتصادی کلان این منطقه هدفمند گردید. مثلث رشد اشاره به سه ناحیه جغرافیایی همجوار اما در کشورهای مختلف دارد که به میزان مختلفی دارای مزیت نسبی تجاری-اقتصادی هستند و برای ایجاد یک ریزمنطقه پویای اقتصادی ایجاد می‌شوند. (Tong & Chong, 2011: 77-87) بنابراین، آنچه به صورت خودجوش توسط کنشگران انسانی بخش خصوصی شکل گرفته بود، توسط دولت‌ها شناسایی و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. با وجود اینکه ایجاد کننده و پیش‌برنده فرومنطقه‌گرایی کنشگران یا عاملان بخش خصوصی بوده‌اند، اما پایایی و موفقیت آنها در گرو کنشگران دولتی بوده است (هتته، ۱۳۹۴: ۲۳۰).

این تحولات فرومنطقه‌ای و منطقه‌ای در پیشبرد منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا به قدری هم افزاینده عمل کردند که در دهه ۱۹۹۰ باعث شکل‌گیری بینامنطقه‌گرایی گردیدند؛ به نحوی که جنوب شرق آسیا با عاملیت آسه‌آن به عنوان یک هویت منطقه‌ای،

با سایر مناطق جهان از جمله اروپا و امریکای لاتین ارتباط برقرار کرده است (Allison, 2015: 1-17).

۴. منطقه‌گرایی نوین در غرب آسیا

منطقه‌گرایی از همان آغاز شکل‌گیری نظام دولت مدرن در غرب آسیا در دستور کار قرار گرفت ولی عمدتاً ناکام مانده است؛ از بحبوحه جنگ جهانی اول، تلاش اعراب برای تشکیل ترتیبات سیاسی پان‌عربی در غرب آسیا شروع شد ولی با موانع جدی مواجه گشت (Aarts, 2010: 911-921) به گونه‌ای که با نفوذ فزاینده قدرت‌های فرامنطقه‌ای و تداوم نزاع‌های منطقه‌ای ابتر ماند. این روند در دوران جنگ سرد نیز تداوم داشت. در این دوران، هرچند دولت‌های منطقه و قدرت‌های فرامنطقه‌ای تلاش‌های بارزی برای پیشبرد منطقه‌گرایی انجام دادند، ولی هیچ‌یک از آنها طرفی برنیستند. (Quilliam, 2020: 93-111, 119-135) سازمان‌های منطقه‌ای از قبیل اتحادیه عرب، سازمان همکاری اسلامی، ستو و حتی شورای همکاری خلیج فارس، عملکرد چندانی در پیشبرد منطقه‌گرایی در غرب آسیا نداشتند؛ به طوری که در بهترین حالت، نوعی همکاری‌گزینشی را ترویج و در بدترین حالت روندهای منطقه‌ای را به سوی تشدید منازعات سوق دادند. (Ulrichsen, 2020: 53-56, 61-65) با این پس‌زمینه، می‌توان پنجره‌ای به سمت بازساخت منطقه‌گرایی نوین در غرب آسیا برحسب شاخص‌هایی که در بخش چارچوب مفهومی/نظری بیان شد گشود.

۴-۱. نقش آفرینی پویای فرامنطقه‌ای/جهانی

نقش آفرینی پویای فرامنطقه‌ای/جهانی هم همزاد غرب آسیا بوده و هم شکل‌دهنده به ادامه حیات آن به عنوان یک موجودیت منطقه‌ای. در اساس زایش غرب آسیا به دوران فروپاشی امپراتوری عثمانی، استعمارزدایی و استقلال ملت‌های عربی و نیز ترسیم مرزهای این منطقه توسط یک قدرت فرامنطقه‌ای یعنی بریتانیا باز می‌گردد. پس از بریتانیا، آمریکا کنشگر فرامنطقه‌ای دیگری است که با افول قدرت بریتانیا در غرب آسیا نفوذ روزافزونی یافت و تاکنون ادامه داشته است. (Zunes, 2020: 324-326)

از سوی دیگر، رخداد‌های غرب آسیا به گونه‌ای پیش رفته‌اند که هیچگاه شرایط را برای حضور بازیگران فرامنطقه‌ای محدود ننموده‌اند و حتی شرایط حضور آنها را تسهیل کرده‌اند. در این میان، نقش آفرینی قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا عمدتاً به شکل نظامی بوده است به نحوی که نه تنها همکاری منطقه‌ای را ترویج نکرده‌اند بلکه بر منازعات منطقه‌ای نیز دامن زده‌اند (طالبی آرانی و کاظمی طامه، ۱۳۹۷). در این چارچوب، منازعه فلسطین و اسرائیل به عنوان طولانی‌ترین منازعه بین‌المللی همچنان به قوت خود باقی است (Rubenberg, 2019: 256-269) و منازعات ایدولوژیک، سرزمینی و سیاسی مزمن در غرب آسیا تداوم داشته‌اند. البته ادغام در فرآیندهای بین‌المللی و جهانی از استراتژی‌های کلان دولت‌های این منطقه است؛ با این تفاوت که اولویت را موضوعات امنیت‌محور تشکیل داده و در گشتاوری و ستفالی‌گونه، همگرایی و منطقه‌گرایی امنیتی - نظامی، البته به صورت گزینشی و اختلاف‌افکن، پیشروتر بوده است.

۴-۲. ابعاد منطقه‌گرایی

در غرب آسیا به دلیل اختلافات و منازعات مدیریت نشده گوناگون، دولت‌ها خود را در هسته سخت وستفالیایی و بقامحوری تعریف نموده‌اند و به ناچار اکراه دارند اختیارات خود را در حوزه اقتصادی و سایر حوزه‌ها به یک مرجع منطقه‌ای تفویض نمایند. البته آنچه بیش از سایر ابعاد تکامل یافته‌تر دیده می‌شود، منطقه‌گرایی امنیتی یا به عبارتی "ریزمنطقه‌گرایی امنیتی" در قالب شورای همکاری خلیج فارس است که خود تأثیری واگرایانه بر کلیت فرآیند منطقه‌گرایی برجای نهاده است. از سوی دیگر، بخش دولتی سیطره تمام‌عیاری بر بخش خصوصی دارد (سردارنیا، ۱۳۹۶: ۴۰-۳۷). از این رو منطقه‌گرایی در ابعاد تجاری، مالی و توسعه‌مدارانه نیز بسیار ضعیف است. جدول زیر اهمیت این بخش را در جنوب شرق آسیا نمایان می‌سازد:

جدول شماره ۴. جایگاه بخش خصوصی در غرب آسیا		
اعتبار داخلی به بخش خصوصی		
بر اساس مقدار درصد از تولید ناخالص داخلی		
کشور	سال	درصد از تولید ناخالص داخلی
ایران	۲۰۱۶	۶۶,۱
عراق	۲۰۱۸	۸,۷
عربستان	۲۰۱۷	۵۴,۰
امارات	۲۰۱۸	۷۷,۲
قطر	۲۰۱۹	۹۶,۷
کویت	۲۰۱۸	۸۹,۳
بحرین	۲۰۱۵	۷۳,۷
عمان	۲۰۱۹	۷۴,۵

(data.worldbank.org)

تجارت منطقه‌ای میان دولت‌های غرب آسیا بسیار اندک و سهم غرب آسیا از صادرات غیرنفتی جهان ناچیز است. الگوی تجارت عمدتاً متشکل از کشاورزی و مواد خام است و هیچ گونه مکملیت اقتصادی اثرگذار بر منطقه‌گرایی در میان دولت‌های غرب آسیا دیده نمی‌شود. قریب به اتفاق شرکای اقتصادی-تجاری دولت‌های غرب آسیا نه در خود منطقه بلکه فرامنطقه‌ای هستند و به این دلیل سطح تجارت درون منطقه ناچیز است. (Anbar et al, 2019: 184-194) از سوی دیگر، اختلاف زیادی از حیث سرانه تولید ناخالص داخلی میان این دولت‌ها وجود دارد.

جدول شماره ۵. سرانه تولید ناخالص داخلی در غرب آسیا		
سرانه سالانه تولید ناخالص داخلی		
کشور	سال	دلار ایالات متحده
ایران	۲۰۱۷	۵,۵۲۰
عراق	۲۰۱۹	۵,۹۵۵
عربستان	۲۰۱۹	۲۳,۱۳۹

۴۳,۱۰۳	۲۰۱۹	امارات
۶۴,۷۸۱	۲۰۱۹	قطر
۳۲,۰۳۲	۲۰۱۹	کویت
۲۳,۵۰۴	۲۰۱۹	بحرین
۱۵,۴۷۴	۲۰۱۹	عمان

(data.worldbank.org)

دربعد منطقه‌گرایی تجاری، دو ابتکار مطرح شده است: اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس که موفق‌ترین ترتیبات منطقه‌گرایی تجاری در غرب آسیا به شمار می‌آید، اما از آنجا که میان دولت‌هایی معدود و فاقد مکملیت اقتصادی برقرار شده نتایج درخشانی نداشته است؛ و منطقه بزرگ تجارت آزاد عربی موسوم به "گافتا" که در سال ۱۹۹۷ ایجاد گردید (محمودی نیا و محمدعلیزاده، ۱۳۹۶: ۵۹، ۶۵)، ولی از یک سو شامل دولت‌هایی که به معنای دقیق کلمه در غرب آسیا واقع نشده‌اند می‌شود و از سوی دیگر، روابط تجاری کافی میان آنها برای پیشبرد منطقه‌گرایی تجاری وجود ندارد. در زمینه منطقه‌گرایی مالی، تنها شورای همکاری خلیج فارس به سمت ایجاد اتحادیه پولی و نوعی بازار مشترک حرکت کرده است. نگاهی به آمار زیر، گویای بودن ابعاد فوق است:

۲۰۲

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

اول، شماره پیاپی

سی و هفت

تابستان ۱۳۹۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۶: شاخص‌های اقتصادی در کشورهای غرب آسیا

شاخص	کشور	نرخ رشد اقتصادی (۲۰۲۰)	رقابت پذیری جهانی (۲۰۱۸)		شاخص آزادی اقتصادی (۲۰۱۹)		نرخ تورم (۲۰۲۰)	نوع یبکاری		شاخص ائت اقتصاد (۲۰۱۸)		شاخص دولت (۲۰۱۹)
			رتبه جهانی	درصد	رتبه جهانی	درصد		سال	درصد	رتبه جهانی	درصد	
ایران		-۵,۳	۱۶۹۵,۰۶۳	۵۴,۹	۸۹	۵۱,۱	۱۵۵	۱۰	۱۲,۱	۳۰۱۷	۶,۴۰	۶۰
عراق		-۹,۷	۶۲۷,۹۷۸	-	-	-	-	۰,۴	۱۳	۲۰۱۷	۶,۳۰	۶۴
عربستان		-۳,۸	۱,۸۵۷,۵۳۸	۶۷,۵	۳۹	۶۰,۷	۹۱	۲,۵	۵,۹	۲۰۱۷	۴,۴۰	۱۲۹
امارات		-۴,۵	۷۲۱,۷۷۰	۷۳,۴	۲۷	۷۷,۶	۹	۳,۱	۲,۵	۲۰۱۷	۲,۵۰	۱۴۹
قطر		-۳,۵	۳۵۲,۱۵۳	۷۱	۳۰	۷۲,۶	۲۸	۰,۳	۰,۱	۲۰۱۷	۱,۸۰	۱۷۲
کویت		-۵,۴	۳۰۴,۹۳۸	۶۲,۱	۵۴	۶۰,۸	۹۰	۲,۲	۲,۲	۲۰۱۶	۲,۷۰	۱۶۱
بحرین		-۴,۵	۷۴,۱۰۸	۶۳,۶	۵۰	۶۶,۴	۵۴	۲,۱	۰,۹۶	۲۰۱۸	۲,۸۰	۱۴۳
عمان		-۴	۲۰۰,۱۰۷	۶۴,۴	۴۷	۶۱	۸۸	۰,۹	۳,۳	۲۰۱۶	۴,۶۰	۱۲۱

(data.worldbank.org; reports.weforum.org; theglobeconomy.com; heritage.org; fragilestatesindex.org)

۳-۴. کنشگران منطقه‌گرایی

در غرب آسیا، دولت‌ها مهمترین کنشگران در پیشبرد منطقه‌گرایی به شمار می‌آیند. پس از دولت‌ها سازمان‌های بینادولتی فوجانی از قبیل اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند مروج منطقه‌گرایی باشند. فرض بر این است که این قبیل سازمان‌ها به حل و فصل منازعات و شکل‌دهی بازار مشترک کمک کنند ولی عملاً اقدام مطلوبی در پیشبرد منطقه‌گرایی انجام نداده‌اند. (Fawcett, 2020: 299-309) به عبارت بهتر، حتی نتوانسته‌اند دستورکاری را برای مبادلات فزاینده در جامعه عربی ارائه دهند (Ferraboli, 2016: 189) برای مثال، اتحادیه عرب هیچ منازعه‌ای را حل و فصل نهایی نکرده، چراکه همچنان درگیر رقابت‌های داخلی باقی مانده است؛ نمونه بارز این روند را می‌توان در تصمیم‌گیری‌های این سازمان منطقه‌ای در بحران خلیج فارس در سال ۹۱-۱۹۹۰، تجاوز آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و تجاوز اسرائیل به غزه در سال ۲۰۰۹ آشکارا مشاهده کرد. از سوی دیگر، شورای همکاری خلیج فارس نیز دربرگیرنده تعداد محدودی از دولت‌های غرب آسیاست و تلاشی هم برای منطقی‌گستر کردن خود

انجام نداده، بلکه در عوض، هم گرفتار اختلافات عمیق داخلی میان اعضایش می‌باشد و هم بیش از همه نمایانگر نوعی بلوک‌بندی امنیتی در درون غرب آسیا که خود واگرایی در این منطقه را تشدید کرده است (Arafat, 2020: 199-231). بر این اساس می‌توان استدلال کرد که این دو سازمان دستورکار منطقه‌ای ندارند؛ اولی سازمانی فرامنطقه‌ای و عملاً تشریفاتی است و دومی سازمانی فرومنطقه‌ای و پرچالش به شمار می‌آید. علاوه بر این، اختیاراتی که دولت‌های عضو به این سازمان‌ها تفویض می‌کنند به قدری محدود است که از استقلال عمل برای پیشبرد منطقه‌گرایی برخوردار نمی‌شوند، چراکه در آنها بر اصل اتفاق نظر در تصمیم‌گیری و نیز عدم مداخله در امور داخلی تاکید شده است (Beck. 2015: 196). به همین دلیل غرب آسیا هم‌چنان از هم‌گسسته‌ترین منطقه در جهان از حیث عملکرد نهادهای منطقه‌ای می‌باشد. (Valbjorn, 2016: 3)

از آنجا که اکثر دولت‌های غرب آسیا غیردموکراتیک هستند (فرجی‌راد و هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۷۶-۲۸۱) و اختلافات امنیتی قابل ملاحظه‌ای نیز در میان آنها دیده می‌شود، مجاللی نیز برای پیشبرد منطقه‌گرایی از سوی کنشگران غیردولتی فراهم نمی‌آورند و در بسیاری از مواقع به مقابله با آنها می‌پردازند (Pinfari, 2014: 166). از سوی دیگر، برخی کنشگران غیردولتی رویکردی غیرمنطقه‌گرایانه را در پیش گرفته‌اند؛ جنبش‌های اسلامی آزادی‌بخش برای رهایی از تجاوزگری و اشغالگری تلاش می‌کنند (See: Cambanis et all, 2019)؛ گروه‌های تروریستی و تکفیری در صدد برانداختن نظامی که نقطه عزیمت منطقه‌گرایی است برمی‌آیند (Yesiltas & Kardas, 2018: 3-15) و جامعه مدنی (که میزان مشارکت آنها در جدول زیر آمده است) نیز بیش از آنکه دغدغه منطقه‌ای داشته باشند، دستورکار ملی را برای ارتقای نقش آفرینی خود در مناسبات با حکومت‌ها پیگیری می‌کنند. به این دلایل دولت‌ها در غرب آسیا کنشگران اصلی و غالب در فرآیند منطقه‌گرایی هستند.

جدول شماره ۷. مشارکت مدنی در غرب آسیا				
میزان مشارکت جامعه مدنی				
میزان (۱-۱۰)				کشور
۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	
۲	۲	۲	۲	جمهوری اسلامی ایران
۴	۴	۴	۴	جمهوری عراق
۲	۲	۲	۲	عربستان سعودی
۲	۳	۴	۴	امارات متحده عربی
۴	۴	۳	۳	قطر
۴	۴	۴	۴	کویت
۳	۳	۲	۲	بحرین
۲	۲	۲	۲	عمان

(govdata360.worldbank.org.)

۴-۴. سطوح منطقه‌گرایی

غرب آسیا از زمان شکل‌گیری نظام دولت تاکنون، به ویژه از زمانی که نظام دولت مدرن در آن تکمیل گردید، نتوانست نوعی منطقه‌گرایی منطقه‌گستر را پایه‌ریزی کرده و ترویج دهد. در بهترین حالت، فرومنطقه‌گرایی‌هایی کژفرجام در آن شکل گرفت که با عملکرد خود، منطقه‌گرایی را عقیم و انهداد. همان‌گونه که در مورد کنشگران منطقه‌گرایی خاطر نشان شد، شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب نمونه‌هایی از فرومنطقه‌گرایی هستند که دستورکارهای آنها هیچ‌گاه به سطح منطقه‌ای تسری نیافت، بلکه بالعکس، عملاً به طرد هویتی سایر دولت‌های غرب آسیا از جمله ایران و ترکیه انجامید.

این روند به قدری خودتقویت‌کننده بوده که در عرصه بین‌المللی نیز غرب آسیا نه به عنوان منطقه/کنشگر بلکه به عنوان ابژه‌ای مشکل‌آفرین برای نظم جهانی در نظر گرفته شده است. این وضعیت باعث گردیده غرب آسیا در مناسبات بین‌منطقه‌ای غایبی تمام‌عیار باشد و به جای آن، مناسبات بین‌منطقه‌ای سایر مناطق در جهان با غرب آسیا، عمدتاً به

روابط با فرامنطقه خلیج فارس در قالب شورای همکاری خلیج فارس محدود شود (Fjaertoft, 2018: 499-503).

۵. تحلیل مقایسه‌ای

در مقایسه جنوب شرق آسیا و غرب آسیا از حیث پیشبرد منطقه‌گرایی نوین، می‌توان گفت که هر دو منطقه تلاش‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند، ولی عملکرد و نتایج متفاوتی داشته‌اند. در این چارچوب، چهار شاخص منطقه‌گرایی نوین که در قالب جدول ذیل آمده است، می‌تواند ابزار تحلیلی سودمندی برای مقایسه وضعیت دو منطقه جنوب شرق آسیا و غرب آسیا باشد.

جدول شماره ۸ شاخصهای منطقه‌گرایی نوین در جنوب شرق آسیا و غرب آسیا		
مقوله‌ها	جنوب شرق آسیا	غرب آسیا
نقش آفرینی پویای فرامنطقه‌ای	همکاری جزویه و مروج منطقه‌گرایی	منازعه آفرین و مختل کننده منطقه‌گرایی
	فرارداشتن دولتها در مسیر توسعه یافته‌ی اقتصادی و تلاش برای پیشبرد مکتبیت اقتصادی از طریق مثلثی رشد	اعتدال فاحش در توسعه یافته‌ی اقتصادی و ناکافی بودن مکتبیت اقتصادی
ابعاد	برقراری موافقتنامه تجارت آزاد منطقه گستر	ایجاد ناقص موافقت نامه‌ی تجارت آزاد در سطح فرامنطقه‌ای و طرد آمیز
	در حال تکامل	در آغاز راه، در بهترین حالت در سطح فرامنطقه‌ای
دولت‌های ملی	آغازکننده و حمایت کننده منطقه‌گرایی و پذیرای مشارکت کنگران غیردولتی	کنشگر اصلی منطقه‌گرایی بدون جلب مشارکت فرامنطقه‌گرایی احصاری و عدم تمایل سازمان‌های فرامنطقه‌ای به منطقه گستر
	کنشگران خرددولتی	بخش خصوصی، جامعه مدنی، و کنگران امنیتی بی تمایل و بی اعتنا به پیشبرد منطقه‌گرایی
خود منطقه	تبدیل منطقه به طرف مذاکرایی و مناسبی با مناطق دیگر (سوره شدگی منطقه)	تبدیل منطقه به عنوان آماج کنش پذیر دستورکارهای سایر مناطق (ایزبه شدگی منطقه)
	شکل گیری فرامنطقه‌های ازیلی مثلثی رشد به عنوان پیش زمینه تقویت منطقه گرایی	شکل گیری فرامنطقه‌ها به نمایندگی سازمان‌های فرامنطقه‌ای که منطقه گرایی در سطح منطقه‌ای را منطبق می سازند
سطوح	شکل گیری منطقه گرایی منطقه گستر با محوریت یکه سازمان منطقه گستر	امکان ناپذیری منطقه گرایی منطقه گستر با نقش آفرینی اختلال زای سازمان‌های فرامنطقه‌ای
	وجود تناسب بین منطقه‌ای با سایر مناطق	فقدان تناسب بین منطقه‌ای با سایر مناطق

از منظر نقش آفرینی پویای فرامنطقه‌ای/جهانی، سیاست‌ها و خواسته‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای همانند چین، ژاپن و ایالات متحده، روندهای جهانی شدن و به تبع آن اقتصاد جهانی تاثیر بسزایی در پیش‌رو بودن و تکامل منطقه‌گرایی نوین داشته است. (Yoneji, 2018: 143-156) جنوب شرق آسیا به واسطه موقعیت ژئوپلیتیکی - استراتژیکی به ویژه در مسیرهای حمل و نقل دریایی تجاری، تنگه‌ها و بندرگاه‌های

متعدد، تنوع زیست محیطی گسترده و به تبع آن منابع طبیعی و معدنی و سرانجام بازار مصرف گسترده، برای قدرت های فرامنطقه‌ای دارای اهمیت ویژه و مهمی است. چین و ایالات متحده دو قدرت مهم و تاثیرگذار در این منطقه هستند که غالب رقابت آنها پیرامون مسائل اقتصادی-تجاری و نه نظامی-امنیتی در جنوب شرق آسیا تعریف شده است. این در حالی است که در جنوب غرب آسیا غالباً مسائل و چالش‌های امنیتی گوی سبقت را از سایر موضوعات ربوده و پویش‌های جهانی / فرامنطقه‌ای نیز حول آن سامان یافته‌اند. این مهم باعث گردیده فرآیند منطقه‌گرایی در جنوب شرق نسبت به جنوب غرب آسیا پیشروتر شود.

۲۰۷

از منظر ابعاد منطقه‌گرایی نوین، تفاوت میان غرب آسیا و جنوب شرق آسیا مشهودتر است. یسبرد ابعاد منطقه‌گرایی نوین در غرب آسیا از طریق سازمان‌های فرومنطقه‌ای از قبیل اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس انجام شده است. از این حیث، غرب آسیا وضعیتی ناتمام در منطقه‌گرایی را تجربه کرده، چراکه برخی دولت‌های غرب آسیا نه تنها از ترتیبات این سازمان‌ها کنار بوده‌اند بلکه نهادسازی منطقه‌ای نیز در تقابل و یا طرد دولت دیگر انجام گرفته (اکبریان و شکری، ۱۳۹۵: ۲۰۴-۲۰۲؛ قربانی‌شیرنشین، ۱۳۹۱: ۷۴-۷۱)؛ که نتیجه آن واگرایی در منطقه بوده است. اما در جنوب شرق آسیا، نوعی همکاری و در نهایت، همگرایی منطقه گستر با محوریت آسه‌آن شکل گرفته است. هر چند این جامعه امن قادر نبوده منازعات و تبعیض‌های قومیتی درونی کشورهای عضو را حل و فصل نماید، اما سعی داشته دغدغه‌های امنیتی اعضا را مدیریت و تا حد امکان بدون ایجاد تنش به تعویق بیندازد (Queen & Sheng, 2020: 197-215).

از منظر کنشگران منطقه‌گرایی، در هر دو منطقه غرب آسیا و جنوب شرق آسیا، "دولت‌های ملی" به عنوان مهمترین کنشگر منطقه‌گرایی شناخته می‌شوند. در جنوب شرق آسیا، با پایان جنگ جهانی دوم طیفی از روندهای استقلال‌خواهی و همگرایی تا ادغام ادامه داشته تا از این طریق اختلافات کاهش یافته و ثبات منطقه‌ای حفظ گردد. این کشورها پس از استقلال شروع به دولت ملت سازی نمودند و یکی پس از دیگری با از میان برداشتن (و به شکل حداقلی کنترل) اختلافات و منازعات درونی، با



وجود تلون و رنگارنگی هویت‌ها و قومیت‌های موجود، قدم در عادی‌سازی روابط با کشورهای دیگر نهادند. در این بین ایجاد سازمان منطقه‌ای آسه‌آن بر روند حل مناقشات منطقه‌ای و گام نهادن در توسعه و تغییر برخی اولویت‌های اولیه در شکل‌گیری منطقه (از نظامی - امنیتی به توسعه و رفاه) بسیار موثر بوده است. کشورهای این منطقه با وجود اختلافات ارضی - مرزی، سیاسی و اجتماعی اما توانسته‌اند هنجارها و ارزش‌های مشترکی را شناسایی و میان خود مستحکم کنند.

در مجموع، کنشگران منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا که طی قرن بیستم در پی استقلال‌خواهی و استعمارزدایی برآمده بودند، به تشکیل دولت‌های ملی اقدام و وارد مرحله ملت‌سازی شدند، سپس با مدیریت منازعات درون و برون منطقه‌ای، منطقه‌گرایی را آغاز نمودند. این روند به مرور به سایر کنشگران نیز سرریز گردید و موجب شکل‌گیری آسه‌آن به عنوان یک کنشگر منطقه‌ای میان‌دولتی شد. در ادامه عواملان بخش خصوصی وارد روند منطقه‌گرایی و با خط مشی ریزمنطقه‌گرایی و شبکه‌گرایی که نمود آن را در مثلث رشد جوهور، ریاثو و سنگاپور می‌توان دید، وارد مرحله جدیدی شده‌اند که هدف در آن رقیق نمودن هویت‌های ملی و یکی کردن آنها تحت یک موجودیت و هویت منطقه‌ای واحد می‌باشد. (Xiaodong, 2019: 1-12) نباید از یاد برد که کنشگران بخش خصوصی عواملان مهمی در تکامل منطقه‌گرایی به شمار می‌روند. به همین دلیل آسه‌آن به کرات بر نقش آنها در پیشبرد منطقه‌گرایی تاکید دارد (ASEAN Integration Report, 2019) جدول زیر اهمیت این بخش را در جنوب شرق آسیا نمایان می‌سازد:

جدول شماره ۹. وضعیت بخش خصوصی در جنوب شرق آسیا		
اعتبار داخلی به بخش خصوصی		
بر اساس مقدار درصد از تولید ناخالص داخلی		
کشور	سال	درصد از تولید ناخالص داخلی
سنگاپور	۲۰۱۹	۱۲۰٫۸
مالزی	۲۰۱۹	۱۲۰٫۹

۱۴۳,۳	۲۰۱۹	تایلند
۳۷,۸	۲۰۱۹	اندونزی
۴۷,۶	۲۰۱۸	فیلیپین

(data.worldbank.org)

در غرب آسیا نیز هسته سخت کنشگری دولت‌های ملی در موضوعات مختلف و از جمله منطقه‌گرایی و منطقه‌ای‌شدن رو به نرمی است؛ اعتراضات گسترده در راستای دموکراسی خواهی و رفاه بیشتر در کشورهای عربی خلیج فارس که با سرکوب دولت‌های ملی مواجه شد، خود نشان از تبلور جامعه‌مدنی به عنوان یک کنشگر جدید در این منطقه است (Kepel, 2020: 105-116). هرچند واکنش دولت‌ها در پاسخ به این اعتراضات رو به اقتدارگرایی بیشتر سوق یافت و برآیند آن تاکید فزوتتر بر همگرایی امنیتی کشورهای منطقه با همراهی دولت‌های فرامنطقه‌ای در مقابله با این رخدادها بوده است، اما نمی‌توان چنین حرکت‌هایی را نادیده و بدون تاثیر در آینده منطقه پنداشت. (Monshipouri, 2019: 139-159; Durac, 2020: 168-174) از سوی دیگر در غالب کشورهای نفتی منطقه، به دلیل حجم درآمد سالیانه بالا، شهروندان از سیستم سیاسی حاکم رضایت داشته‌اند و کمتر رخ می‌دهد که جامعه مدنی در چنین شرایطی به فکر تغییر یا اصلاح باشد.

از منظر سطوح منطقه‌گرایی، که حول سه محور فرومنطقه، منطقه و فرامنطقه‌ای سامان یافته، جنوب شرق آسیا با تکیه بر بخش خصوصی در ابعاد مدنی (مانند مجمع خلق آسه‌آن) و اقتصادی (مثلث‌های رشد که توسط تجار چینی تبار سه کشور مالزی، سنگاپور و اندونزی تبلور و پیش می‌رود) سعی در شکل دادن به فرومنطقه‌ها داشته است که خود سبب ساز تکامل منطقه‌گرایی بوده است. در سوی دیگر، غرب آسیا به دلیل حاکم بودن وضعیت وستفالیایی، کمتر توجهی به همکاری‌های فرومنطقه‌ای می‌شود. در سطح منطقه‌ای، جنوب شرق آسیا با ساخت و بازساخت آسه‌آن، سعی در حاکم نمودن یک سازمان منطقه‌گستر در روابط میان دولت‌ها داشته که خود پرتابه‌ای در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین محسوب می‌شود؛ این در حالی است که در غرب آسیا، سازمان‌ها و نهادهای فرومنطقه‌ای به سبب مانایی منازعه و بحران‌های منطقه‌ای، جهت کنترل و

محدود نمودن گستره فعالیت سایر دولت‌های منطقه تشکیل یافته‌اند. این مهم خود واگرایی روزافزون میان دولت‌های غرب آسیا را باعث شده است. به تبع مناسبات فرومنطقه‌ای و منطقه‌ای، حاکم در جنوب شرق آسیا، سطح میان/بینا منطقه‌ای نیز تبلور یافته است. به این ترتیب، آسه‌آن به نمایندگی از جنوب شرق آسیا با کارویژه‌های کنشگرگونه (منطقه به عنوان کنشگر)، پای در روابط با سایر مناطق نهاده است؛ اما در غرب آسیا که تاکنون موجودیتی منطقه‌گستر، مجالی برای ظهور نیافته، نهادهای فرومنطقه‌ای مانند شورای همکاری خلیج فارس، به نمایندگی برخی کشورهای منطقه وارد تعامل با سایر مناطق شده است.

نتیجه‌گیری

دولت‌های غرب آسیا که از زمان جنگ جهانی اول تا کنون، شاهد تغییر و تحولات گوناگونی بوده‌اند، همواره برای شکل دادن به یک منطقه واحد در ابعاد اقتصادی-تجاری (اوپک، گافتا)، نظامی-امنیتی (شورای همکاری خلیج فارس) و گاه هویتی-ایدئولوژیک (اتحادیه عرب) تلاش فراوان نموده‌اند، اما تاکنون قادر به ایجاد منطقه بودگی (در سطح حداکثری) و حتی یک منطقه‌گرایی مطلوب با حضور همه اعضا (در سطح حداقلی) نبوده‌اند. این در حالی است که غرب آسیا از نظر وجود کشورهایی با گذشته، فرهنگ و زبان مشترک جزء مناطق بی‌همتای سیستم بین‌الملل دیده می‌شود. به صورت مختصر، تاریخ دولت-ملت سازی، روابط میان دولتی در سطح منطقه، روابط درون دولتی در سطح ملی و سرانجام روابط و سیاست‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای نسبت به کشورهای منطقه، زمینه ساز شکل‌گیری ناقص منطقه‌گرایی نوین در غرب آسیا بوده است. منازعات متعدد ایدئولوژیک، ارضی و مرزی، سیاسی و قومی حل نشده، همکاری‌ها و پیوندها را سست نگاه داشته و تاکنون مانع از استحکام و ثبات آن شده است. منازعات درون دولتی و مشروعیت زدایی توأمان بازیگران حاکم در این کشورها (ظهور دولت‌های ناقص یا شکست خورده) بر تشدید واگرایی‌ها افزوده است. قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز همواره با توجه به اهداف خود، مناسبات منطقه را دچار تغییر و تحول نموده‌اند؛ استعمار و ایجاد مرزهای تصنعی، عقد توافق نامه‌های امنیتی-نظامی،

تامین انرژی و امنیت آن، دخالت نظامی در امور داخلی برخی کشورهای منطقه و رقابت با سایر رقبای، همه و همه معادلات شکل‌گیری منطقه‌گرایی نوین در خلیج فارس را پیچیده کرده است.

در جنوب شرق آسیا، با پایان جنگ جهانی دوم طیفی از روندهای استقلال خواهی و همگرایی تا ادغام ادامه داشته است تا از این طریق اختلافات کاهش یافته و ثبات منطقه‌ای حفظ گردد. این کشورها پس از استقلال شروع به دولت-ملت سازی نمودند و یکی پس از دیگری با از میان برداشتن (و به شکل حداقلی کنترل) اختلافات و منازعات درونی، با وجود تلون و رنگارنگی هویت‌ها و قومیت‌های موجود، پای در عادی سازی روابط با کشورهای دیگر نهادند. به مرور فرایندهای منطقه‌گرایی نمود یافت، قوت گرفت و نوعی منطقه بودگی میان‌مایه را به ارمغان آورد. در این بین ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای که مهم‌ترینشان آسه‌آن بوده است، بر روند حل مناقشات منطقه‌ای، گام نهادن در توسعه و تغییر برخی اولویت‌های اولیه در شکل‌گیری منطقه (از نظامی - امنیتی به توسعه و رفاه) بسیار موثر بوده است. بنابراین، تلاش برای ایجاد منطقه‌گرایی و به تبع آن منطقه بودگی در میان کشورهای جنوب شرق آسیا بیشتر از سایر مناطق آسیا دیده شده است. کشورهای این حوزه خود را به عنوان یک منطقه تعریف نموده و قادر بوده‌اند مسائل و مشکلات خود را در ابعاد مختلف چه امنیتی و چه اقتصادی - تجاری به گونه‌ای دسته جمعی حل و فصل نمایند و از سوی دیگر، با وجود اختلافات ارضی - مرزی، سیاسی و اجتماعی اما توانسته‌اند هنجارها و ارزش‌های مشترکی را شناسایی و میان خود مستحکم کنند. البته نباید فراموش کرد که با وجود درونزادی پویای منطقه‌گرایی در جنوب شرق آسیا، سیاست‌ها و خواسته‌های قدرت‌های فرامنطقه‌ای همانند چین، ژاپن و ایالات متحده، روندهای جهانی شدن و به تبع آن اقتصاد جهانی نیز بی تاثیر نبوده است.

با این اوصاف، می‌توان به این نتیجه رسید که جنوب شرق آسیا در پیشبرد منطقه‌گرایی نوین پیشروتر از غرب آسیا بوده است. یافته این پژوهش مقایسه‌ای راه را برای پژوهش‌های دیگر نیز می‌گشاید که مهمترین آنها را می‌توان «دورنمای مقایسه‌ای

منطقه‌گرایی نوین» و «نقد مقایسه‌ای منطقه‌گرایی نوین» در این دو منطقه مهم نظام بین‌الملل برشمرد.

منابع

- اکبریان، رضا، شکری، محسن. (۱۳۹۵). «جهانی شدن و منطقه‌گرایی اقتصادی در حوزه شورای همکاری خلیج فارس»، *سیاست جهانی*، شماره (۲)، صص ۲۰۸-۱۷۷.
- خلیل‌اله، سردارنیا. (۱۳۹۶). «دموکراسی و دورنمای بقای سیاسی شیخ‌نشین‌های خلیج فارس»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره (۲)، صص ۵۸-۳۳.
- دهشیری، محمدرضا، رضایی جعفری، محسن. (۱۳۹۳). «نومنته‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، *سیاست جهانی*، شماره (۲)، صص ۲۲۶-۱۹۱.
- رضائی، احمد، صباغیان، علی. (۱۳۹۹). «بررسی مقایسه‌ای منطقه‌گرایی در آسه آن و شورای همکاری خلیج فارس»، *سیاست جهانی*، شماره (۳۱)، صص ۲۲۶-۱۸۹.
- طالبی‌آرانی، روح‌اله، کاظمی طامه علی. (۱۳۹۷). بنیان‌های امنیتی ناکمرانی در غرب آسیا (۲۰۲۰-۱۹۹۰)، «کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا»، *موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران*.
- فرجی‌راد، عبدالرضا، هاشمی، مصطفی. (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر در ایجاد بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی منطقه خلیج فارس»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره (۲۲)، صص ۲۹۳-۲۶۷.
- قربانی‌شیخ‌نشین، ارسلان. (۱۳۹۱). «خرید تسلیحات نظامی و همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس (مطالعه موردی شورای همکاری خلیج فارس و ایران)»، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، شماره (۵)، صص ۷۸-۵۳.
- محمودی‌نیا، بهمن، محمدعلیزاده، علی اصغر. (۱۳۹۶). آینده‌پژوهی تحولات جهان عرب (سه احتمال برای ۲۰۲۵)، *پژوهش‌های ملی*، شماره (۲۳)، صص ۷۹-۴۹.
- هتته، یورن. (۱۳۹۴). «فراسوی منطقه‌گرایی جدید»، در پین آنتونی: *مباحث اصلی در اقتصاد سیاسی جدید*، ترجمه پورا احمدی حسین و طالبی‌آرانی روح‌اله، مخاطب.

- Aarts Paul. (2010). "The Middle East: A region without regionalism or the end of exceptionalism?". *Third World Quarterly*. 20(5): 911-925.
- Acharya Amitav. (2009). *Constructing a Security Community in Southeast Asia: ASEAN and the Problem of Regional Order*. Routledge.
- Acharya Amitav. (2009). *Constructing a Security Community in Southeast Asia: ASEAN and the Problem of Regional Order*. Routledge.
- Allison, Laura. (2015). *The EU, ASEAN and Interregionalism: Regionalism Support and Norm Diffusion between the EU and ASEAN*. Palgrave Macmillan UK.
- Arafat, Alaa Al-Din. (2020). *Regional and International Powers in the Gulf Security*. Palgrave Macmillan.
- ASEAN Secretariat. (2016). *ASEAN Political-Security Community Blueprint 2025*. The ASEAN Secretariat Jakarta.
- ASEAN Secretariat. (2017). *Towards ASEAN Economic Community 2025: Monitoring ASEAN Economic Integration*. The ASEAN Secretariat Jakarta.
- ASEAN Secretariat. (2015). *ASEAN 2025: Forging Ahead Together*. The ASEAN Secretariat Jakarta.
- ASEAN Secretariat. (2015). *ASEAN Economic community blueprint 2025*. The ASEAN Secretariat Jakarta.
- Barbieri Giovanni. (2019). "Regionalism, globalism and complexity: a stimulus towards global IR?". *Third World Thematics: A TWQ Journal*. 4(6):424-441.
- Baysoy Emre. (2020). "New-Regionalism: The Slipknot of the Two Rival Trends?". *Athens Journal of Mediterranean Studies*. 6:11-20
- Beck, Martin. (2015). "The End of Regional Middle Eastern Exceptionalism? The Arab League and the Gulf Cooperation Council after the Arab Uprisings". *Democracy and Security*. 11(2):190-207.
- Beeson Mark, Stubbs Richard. (2012). Introduction, in *Routledge Handbook of Asian Regionalism*. New York: Routledge.
- Beeson Mark, Stubbs Richard. (2012). *Routledge Handbook of Asian Regionalism*. Routledge.
- Boyka M. Stefanova. (2018). *The European Union and Europe's New Regionalism: The Challenge of Enlargement, Neighborhood, and Globalization*. Palgrave Macmillan.
- Buzan, Barry and Gonzalez-Pelaez. (2009). *International Society and the Middle East. English School Theory at the Regional Level*. London: Palgrave Macmillan.

- Calleya Stephen C. (2000). *Regionalism in the Post-Cold War World*. London. Routledge.
- Chandra Alexander C., Abdulrahim Rahimah, and A. Almuttaqi Ibrahim. (2017). "Non-state Actors' Engagement with ASEAN: Current State of Play and Way Forward". In: Baveira Aileen, Maramis Larry: *Building ASEAN Community: Political-Security and Socio-cultural Reflections*. ERIA: Economic Research Institute for ASEAN and East Asia. 4: 221-246.
- Chandra, Alexander. (2006). "The Role of Non-State Actors in ASEAN". in *Focus on the Global South. Revisiting Southeast Asian Regionalism*. at: <http://www.focusweb.org>
- Chareonwongsak Kriengsak. (2018). "ASEAN's Limitations in Conflict Resolution". In: *International Security in the Asia-Pacific: Transcending ASEAN towards Transitional Polycentrism*, Chong Alan. Palgrave Macmillan: 85-98.
- De Lombaerde Philippe. (2013). "Comparing Regionalisms: Methodological Aspects and Considerations". In: *The Ashgate Research Companion to Regionalisms*. (The International Political Economy of New Regionalisms Series). Shaw Timothy, Grant J. Andrew. Ashgate Publishing Company: 31-50.
- Durac Vincent. (2020). "Civil society in the Middle East and North Africa". In: *Hinnebusch, Raymond A., Gani, J. K: The Routledge Handbook to the Middle East and North African State and States System*. Routledge.
- Farrell Mary, Hettne Bjorn, Luk Van Langenhove. (2005). *Global Politics of Regionalism: Theory and Practice*. Pluto Press.
- Fawcett Louise. (2016). *International Relations of the Middle East*. Oxford University Press.
- Fawcett Louise. (2020). "Regionalism in the Middle East and North Africa". In: *The Routledge Handbook to the Middle East and North African State and States System*. Hinnebusch, Raymond A., Gani, J. K. Routledge: 297-311.
- Ferabolli, Silvia. (2016). *Arab Regionalism: A Post-Structural Perspective*. New York. Routledge.
- Fioramonti Lorenzo. (2012). *Regions and Crises: New Challenges for Contemporary Regionalisms*. Palgrave Macmillan.
- Grant J Andrew, Cornelissen Scarlett, Shaw Timothy. (2013). *The Ashgate Research Companion to Regionalisms*. Ashgate Publishing.
- Halliday Fred. (2005). *The Middle East in International Relations; Power, Politics and Ideology*. Cambridge University Press

- Harders Cilja, Legrenzi Matteo, Shaw Timothy. (2013). *Beyond Regionalism?: Regional Cooperation, Regionalism and Regionalization in the Middle East*. Ashgate Publishing.
- Hettne B., O. Sunkel, A. Inotai. (2000). *Globalism and the New Regionalism*. Palgrave Macmillan.
- Huang Xiaoming. (2018). "The Emerging Security Landscape in the Asia-Pacific: Where ASEAN Fits Between the United States and China". In: *International Security in the Asia-Pacific: Transcending ASEAN towards Transitional Polycentrism*. Chong Alan. Palgrave Macmillan: 129-148.
- Jie Chen. (2011). *Factors shaping regional integration in Europe, Asia, and Africa : the validity of competing theories*. University of Lethbridge. Faculty of Arts and Science.
- Jokela Juha, Behr Timo. (2011). *Regionalism & Global Governance: The Emerging Agenda*. Notre Europe.
- Kepel Gilles. (2020). *Away from Chaos: The Middle East and the Challenge to the West*. Columbia University Press.
- Klecha-Tylec Karolina. (2017). *The Theoretical and Practical Dimensions of Regionalism in East Asia*. Palgrave Macmillan.
- Korany Bahgat. (2020). "Middle East Regionalisms: Can an Institution Bridge Geo-Culture to Geo-Economics?". In Timothy Shaw: *The Ashgate e Research Companion to Regionalisms*. (The International Political Economy of New Regionalisms Series). Ashgate Publishing Company.
- Lobell Steven E. (2018). "How Should the US respond to a Rising China?". In: *Will China's Rise Be Peaceful?: The Rise of a Great Power in Theory, History, Politics, and the Future*. Asle Toje. Oxford University Press: 349-362.
- Ludo Cuyvers, Lurong Chen and Philippe De Lombaerde. (2019). "50 years of regional integration in ASEAN". *Asia Pacific Business Review*. 25: 609-618.
- Marks Michael P. (2018). *Revisiting Metaphors in International Relations Theory*. Palgrave Macmillan.
- Monshipouri Mahmood. (2019). *Middle East politics : changing dynamics*. Routledge.
- Palmujoki Eero. (2001). *Regionalism and Globalism in Southeast Asia*. Palgrave Macmillan.
- Pinfari, Marco. (2014). "Transnational Civil Society and Regionalism in the Arab World: More of the Same?". In: *Civil Society and World Regions*. Lorenzo Fioramont. Maryland: Lexington: 161-177.

- Putra, Bama Andika, Darwis, & Burhanuddin. (2019). "ASEAN Political-Security Community: Challenges of establishing regional security in the Southeast Asia". *International Studies*. 12(1):33-49.
- Queen Fathania, Sheng Ying-Hsien. (2020). "ASEAN as a Conflict Manager: Lukewarm Mediation". In: *The Changing Global Order: Challenges and Prospects*. Hosli Madeleine O., Selleslaghs Joren. United Nations University Series on Regionalism. Springer Nature Switzerland: 193-221.
- Quilliam Neil. (2020). "The Role of External Powers: Global Actors". In: *The New Regional Order in the Middle East: Changes and Challenges*. (International Political Economy Series). Bazoobandi Sara. Palgrave Macmillan: 93-118.
- Rubenberg Cheryl A. (2019). "The Palestinians: Justice Denied". In: *Making the New Middle East: Politics, Culture, and Human Rights*. Hoffman Valerie J. Syracuse University Press: 222-282.
- Selleslaghs Joren, Langenhove Luk Van. (2020). "The Rise of Regions: Introduction to Regional Integration & Organisations". In: *The Changing Global Order: Challenges and Prospects*. Hosli Madeleine O., Selleslaghs Joren. United Nations University Series on Regionalism. Springer Nature Switzerland: 147-162.
- Severino Rodolfo C. (2008). ASEAN. ISEAS Publications.
- Söderbaum Fredrik and Timothy M. Shaw (2003). *Theories of New Regionalism. A Palgrave Macmillan Reader International Political Economy Series*. Palgrave Macmillan UK.
- Sandler, Kilian. (2019). *Regional Organizations in International Society: ASEAN, the EU and the Politics of Normative Arguing*. Palgrave Macmillan.
- Stetter Stephan. (2012). *The Middle East and Globalization: Encounters and Horizons*. Palgrave Macmillan
- Stewart-Ingersoll Robert, Frazier Derrick. (2012). *Regional Powers and Security Orders: A Theoretical Framework*. Routledge.
- Tarling Nicholas. (2004). *Nationalism in Southeast Asia: If the people are with us*. Routledge Curzon.
- The ASEAN Secretariat. (2019). *ASEAN Statistical Yearbook*. Jakarta: ASEAN Secretariat.
- Tong Sarah Y., Chong Siew Keng Catherine. (2011). "ASEAN Economic Growth Triangles and Implications for China". In: LI Mingjiang, Guan Kwa Chong: *China-asean Sub-regional Cooperation: Progress, Problems and Prospect*. World Scientific: 77-93
- Ulrichsen Kristian Coates. (2020). "The Realignment of Regional Politics and the Future of the Gulf Cooperation Council". In: *The*

- New Regional Order in the Middle East: Changes and Challenges. (International Political Economy Series). Bazoobandi Sara. Palgrave Macmillan: 49-68.
- Valbjorn, Morten. (2016). "North Africa and the Middle East." Tanja A. Börzel and Thomas Risse. In *The Oxford Handbook of Comparative Regionalism*. Oxford: Oxford University Press.
- Van Hoa Tran, Harvie Charles. (2016). *New Asian Regionalism: Responses to Globalisation and Crises*. Palgrave Macmillan. UK.
- Verico Kiki. (2017). *The Future of the ASEAN Economic Integration*. Palgrave Macmillan.
- Xiaodong Xu. (2019). "The SIJORI Growth Triangle: Progress, Problems and Prospect". *Journal of Maritime Studies and National Integration*. 3(1): 1-13.
- Yates Robert. (2019). *Understanding ASEAN's Role in Asia-Pacific Order*. Palgrave Macmillan.
- Yesiltas Murat, Kardas Tuncay. (2018). "Introduction: The Phenomenon of Non-state Armed Actors and Patterns of Violent Geopolitics in the Middle East". In: *Non-State Armed Actors in the Middle East: Geopolitics, Ideology, and Strategy*. Yesiltas Murat, Kardas Tuncay. Palgrave Macmillan: 3-20
- Yoneji Kuroyanagi. (2018). "The US-China-Japan Triangle and the Concept of ASEAN Centrality: Myth or Reality?" In: *International Relations and Asia's Southern Tier: ASEAN, Australia, and India*. Rozman Gilbert, Chinyong Liow Joseph. Palgrave Macmillan: 143-157
- Zunes Stephen. (2020). "US hegemony and MENA". In: *The Routledge Handbook to the Middle East and North African State and States System*. Hinnebusch, Raymond A., Gani, J. K. Routledge: 324-339.
- Al Anbar Hamid E, Al Anbar Ali, Nesreen N. (2019). "Oil production, innovation, and politics in the Middle East". In: *Routledge handbook of international relations in the Middle East*. Akbarzadeh, Shahram. Routledge: 184-194.
- Cambanis Thanassis, Esfandiary Dina, Ghaddar Sima, Wahid Hanna Michael, Lund Aron, and Mansour Renad. (2019). *Hybrid Actors: Armed Groups and State Fragmentation in the Middle East*. The Century Foundation Press.
- Fjaertoft, Torgeir E. (2018). "Making the Gulf Cooperation Council the EU of the Middle East". *European Foreign Affairs Review*. 23 (4): 485-503.
- The ASEAN Secretariat. (2019). *ASEAN Integration Report 2019*. The ASEAN Secretariat is based in Jakarta, Indonesia.

- World Economic Forum. (2020). "Global Competitiveness Index".
<http://reports.weforum.org/global-competitiveness-report-2018/competitiveness-rankings/>
- World Bank. (2020). "Iran, Islamic Rep. Data".
https://data.worldbank.org/country/iran-islamic-rep?most_recent_value_desc=false
- World Bank. (2020). "Inflation, consumer prices (annual %) Qatar, Bahrain, Saudi Arabia, United Arab Emirates, Iran, Islamic Rep., Iraq, Oman, Kuwait".
<https://data.worldbank.org/indicator/FP.CPI.TOTL.ZG?locations=QA-BH-SA-AE-IR-IQ-OM-KW>
- World Bank. (2020). "GDP, PPP (current international \$) Qatar, Bahrain, Saudi Arabia, United Arab Emirates, Iran, Islamic Rep., Iraq, Oman, Kuwait".
<https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.PP.CD?locations=QA-BH-SA-AE-IR-IQ-OM-KW>
- World Bank. (2020). "Unemployment, total (% of total labor force) (national estimate) - Qatar, Bahrain, Saudi Arabia, United Arab Emirates, Iran, Islamic Rep., Iraq, Oman, Kuwait".
<https://data.worldbank.org/indicator/SL.UEM.TOTL.NE.ZS?locations=QA-BH-SA-AE-IR-IQ-OM-KW>
- Fragile States Index. (2020). <https://fragilestatesindex.org/data/>
- Heritage(2020). "2020 Index of Economic Freedom".
<https://heritage.org/index/ranking>
- The Global Economy. (2020). "Economic decline index".
https://theglobaleconomy.com/rankings/economic_decline_index/
- ASEAN(2019). <https://asean.org/storage/2019/11/ASEAN-integration-report-2019.pdf>

